

یادداشت

تسلط حرفه‌ای در مدیریت‌های سیاسی

اما برای مدیریت در سازمان‌های تخصصی فقط دریافت حکم انتصاب کافی نیست؛ کسب احترام کارشناسانه همکاران تحت ریاست و رعایت شئون حرفه‌ای آنان هم لازم است. اگر چه در نظام‌های دموکراتیک در هر دولت مقام وزارت رنگ سیاسی هم دارد، اما به این معنی نیست که دست هرکسی را که وفاداری حزبی داشته باشد، از میان خویشاوندان و همشهریان و حوزه‌های حزبی بگیرند و به استناد وفاداری و برنده‌شدن در انتخابات به وزارت بگمارند. برای مثال سروکار وزارتخانه بهداری و بهداشت با هزاران پزشک و متخصص وابسته به جامعه و خدمات پزشکی است، یا در وزارت دادگستری با جامعه عظیم قضات و وکلا و استادان حقوق سروکار دارد، یا در وزارت امور خارجه با صدا ها کارشناس دیپلمات حرفه‌ای داخل سیستم یا کارشناسان دانشگاهی یا مطبوعاتی مرتبط با دانش و تجربه سیاسی سروکار دارند، یا در وزارت اقتصاد و دارایی سروکارشان با هزاران کارشناس با سطوح بالای تجربه و دانش اقتصادی و سیاست‌های پولی و مالیاتی و در وزارت صنعت با ده‌ها هزار کارشناس درون یا بیرون سیستم است. همچنین در سازمان‌های تخصصی‌تر مانند بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه که مستلزم سوابق فنی و آکادمیک برای سیاست‌گذاری و مدیریت است، ایجاب می‌کند که وزیر و رئیس مورد قبول و احترام و الهام‌بخش جامعه حرفه‌ای تحت مدیریت خود نیز باشد؛ یعنی مورد قبول باشد یا دست‌کم نابغه مشهودی باشد که «نقص» تجربه و سوابق حرفه‌ای را جبران بکند!

اگر شخصی مانند شادروان کاتوزیان رئیس دانشکده حقوق که اغلب قضات شاگرد او بوده‌اند، به ملاحظات حزبی وزیر دادگستری شود، مورد قبول جامعه قضائی خواهد بود. یا اگر پزشک کاردانی که تا ریاست مجتمعی بیمارستانی رسیده باشد، وزیر بهداشت و بهداری شود، مورد قبول و احترام جامعه پزشکی خواهد بود؛ یعنی احزاب یا گروه‌های سیاسی که با اتکا به گزینش مردم دولت را در اختیار می‌گیرند، قاعداًت باید به اندازه کافی از حمایت‌های اجتماعی برخوردار باشند که بتوانند در هر مورد از میان حامیان سیاسی خود در «سطوح بالای» آن حرفه و تخصص «شخصیت‌های» محترم و مقبول آن حرفه را در اختیار داشته باشند. معاونان وزرا که باید متعلق به همان ساختار حرفه‌ای باشند و نمی‌توان گماردن باجناق یا پسرخاله یا همسایه و همشهری را به بهانه اعتماد و وفاداری توجیه کرد. مدیریت سیاسی «تا حدی» می‌تواند جایگزین مدیریت حرفه‌ای بشود، نه بیشتر. به کار گماردن اشخاصی که فاقد سواد کافی و تجربه مدیریت سازمان مورد ریاست خود نباشند و نتوانند احترام و پذیرش همکاران و زیردستان را جلب کنند، موجب بروز انحطاط و فساد می‌شود. در سازمان‌های تخصصی گزینش مدیریتی که با هرم سازمانی و سوابق و پییومن مدرج متعارف انطباق نداشته باشد، موجب واکنش و بی‌اعتباری مدیر و کاهش کارایی سازمان می‌شود.

خرق عادت

عادات ناپسند که در یکبایک جامعه ما نهادینه شده است به طریقی است که دولت‌ها- از هر جناح- جرئت نزدیک شدن به ترک آن از سوی مردم را ندارند، زیرا مردم از دیدگاه آنان تنها وسیله به سبب انداختن رای است و آنان به رای احتیاج دارند، بنابراین به‌هیچ‌وجه درصدد کاهش دادن این عادات نمی‌شوند.

عادات اجتماعی مردم چون همه‌گیر است، به چشم نمی‌آید و عادی‌شدن عادت‌های نامطلوب از یک سو باعث از دست رفتن سرمایه‌های انسانی و مادی جامعه می‌شود و از سوی دیگر سو،استفاده‌کنندگان را بر رفتار گستاخانه شبه‌عادات اجتماعی تشویق می‌کند. عادت به رعایت‌نکردن حق تقدم دیگران، عادت به ناسزاگویی، عادت به اسراف در آب، برق، گاز، عادت به آلوده‌کردن محیط زیست، عادت به پامپال‌کردن حق الناس، عادت به رسیدن به قدرت به هر قیمت، عادت به غیبت، عادت به تهمت‌زدن، عادت به برتری خود و بی‌اعتنایی به حقوق دیگران ازجمله عادات ناپسند اجتماعی است.

اگر به فرمایشات نامزدهای ریاست‌جمهوری در هنگام ثبت‌نام توجه شود، مشاهده می‌شود که همه آنها در کلام خود تکیه بر رفع مشکلات معیشتی و زندگی روزمره مردم داشتند و هیچ‌کدام از آینده ایران و سرنوشت فرزندان آینده ایران سخنی به زبان نیاوردند. درحالی‌که به‌خوبی می‌دانند در انجام قول‌های خود هرگز موفق نخواهند شد و در تبلیغات پیش‌روی انتخابات هم هیچ‌یک از نامزدهای تأیید صلاحیت‌شده سخنی از آینده ایران، مشکلات پیش‌رو، اولویت‌های عمل خودشان صحبتی نخواهند کرد. یکی از خبرگزاری‌ها از من سؤال کرد که به چه کسی رای می‌دهید، گفتم به آن کسی که مشکلات پیش‌روی ایران را بگوید و اولویت‌های اجرایی خود را ذکر کند و البته نه آن کسی که فهرستی از مشکلات بگوید و ادعا کند که همه را حل می‌کند. به این شخص از هر جناح و هر طرز فکر من رای می‌دهم ولی یادمان باشد که النادر کالعه‌دوم، آیا چنین کسی پیدا می‌شود. آیا اصلاً قبول داریم که عادت‌های ناپسند داریم؟ آیا اصولاً معنی عادات ناپسند را می‌دانیم؟



رئیس مجلس برنامه‌های خود را برای ریاست‌جمهوری با شعارهای اقتصادی آغاز کرد

تکرار وعده‌هایی که فقط تکرار شده‌اند

شرق: در فهرست شش‌نفره نامزدهای نهایی چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، باز یک چهره پرحاشیه به چشم می‌آید: محمدباقر قالیباف که چهار دوره نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری بوده است؛ انتخابات ریاست‌جمهوری سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۸، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ و حالا

وعده مسکن ارزان!

اقتصاد پای ثابت وعده‌های اقتصادی نامزدهای انتخاباتی در ایران است؛ اما با پایان انتخابات، معمولاً در بر همان پاشنه چرخیده و اقتصاد کشور کج‌دار و مریز به راه خود ادامه داده است. در این میان، محمدباقر قالیباف، یکی از شش نامزد نهایی چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، در اولین تبلیغات انتخاباتی خود کاملاً متمرکز بر اقتصاد بوده است. او در آستانه چهاردهمین دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری می‌گوید معیشت مردم و مسکن برای او در اولویت است و وعده پایان احتکار زمین را داده است. به گزارش ایسنا، قالیباف در صفحه شخصی خود در شبکه ایکس نوشته هزینه بالای مسکن، زندگی مردم را سخت کرده است. ریشه این موضوع را در قیمت بالای زمین دانسته و این اطمینان را به مردم داد که درصورتی‌که به ریاست‌جمهوری دولت چهاردهم برسد، با برنامه‌ریزی دقیق و سرعت بالا به این موضوع خواهد پرداخت و ۳۳۰ هزار هکتار زمینی را که در قانون برنامه هفتم به ظرفیت سکونتگاهی اضافه شده است، اجرا خواهد کرد. این ادعای قالیباف در شرایطی مطرح می‌شود که مجلس سال‌های طولانی زیر بار تصویب قانون مالیات بر ارزش‌افزوده نرفت. مالیات بر ارزش‌زمین یکی از روش‌های مناسب و رایج دریافت مالیات برای کسب درآمد پایدار دولت‌های محلی یا مرکزی است. بر اساس آن، درصدی از ارزش فعلی زمین به‌عنوان مالیات، به صورت سالانه از مالک دریافت می‌شود. در این مالیات برخلاف مالیات بر دارایی، ارزش ساختمان، اموال منقول و سایر بهسازی‌ها و فعالیت‌هایی که روی زمین انجام شده یا نشده باشد، در ارزیابی نهایی در نظر گرفته نمی‌شوند. این مسئله سبب می‌شود قیمت زمین به‌عنوان یک کالای غیرقابل تولید دستخوش سوداگری و دلالی نشود. با تمام این موارد، سال‌های طولانی مجلس تصویب این قانون را نადیده گرفت تا سرانجام دولت سیزدهم در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ گروهی از زمین‌ها و گروهی از واحدهای مسکونی در سراسر‌های را مشمول مالیات سالانه کرد. بر اساس این مصوبه، زمین‌های مشمول، شامل زمین‌های خام (فاقد اعیانی) با هر نوع کاربری (مسکونی، اداری و تجاری) با قیمت روز بالای ۳۵ میلیارد تومان (ارزش کل) می‌شود. حالا باید از قالیباف این پرسش را مطرح کرد که اگر دغدغه او مهار سوداگری زمین و کاهش سهم زمین

در قیمت تمام‌شده مسکن بوده است، چرا در تمام سال‌هایی که به‌عنوان رئیس مجلس فعالیت کرده، فکری به حال این موضوع نکرده است؟ نکته دیگری که درباره دغدغه مسکن این نامزد انتخاباتی مطرح می‌شود، این است که سال‌های طولانی است کارشناسان بخش مسکن می‌گویند درآمد شهرداری از تراکم‌سازی سبب شده است هزینه‌های شهرداری مهم درخرو توجهی در قیمت نهایی مسکن ایفاکنند و حالا پرسش این است که اگر آقای قالیباف دغدغه مسکن مردم را دارد، چرا در سال‌هایی که به‌عنوان شهردار فعالیت کرده، فکری به حال این موضوع نکرده است؟

وعده عجیب برای رشد اقتصادی

گذشته از این، قالیباف در بخشی از اظهارات خود با اشاره به اینکه در دهه ۹۰ رشد اقتصادی کمتر از یک درصد بوده، تأکید کرد: «ما شاخص‌ها را بر اساس سیاست‌های کلان اعلامی مقام معظم رهبری دنبال کردیم که در طول اجرای برنامه هفتم به متوسط هشت درصد برسیم». سؤال اینجاست که در شرایط کنونی اقتصاد ایران، تحقق رشد اقتصادی هشت‌درصدی در سال‌های آتی تا چه میزان امکان‌پذیر است؟ بسیار گفته شده که در دهه ۹۰ رشد اقتصادی در حدود یک درصد بوده است، اما عمده دلایلی که برای این موضوع مطرح می‌شود، حول خروج آمریکا از برجام و تشدید تحریم‌هاست. باین‌حال، در دولت روحانی و زمانی که برجام امضا شد، هم انتظارات تورمی کاهش یافت و هم رشد اقتصادی نسبتاً خوب بود. اما مشکل اقتصادی در سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی نیز بالا بوده و باید که ایران مراحل اولیه رشد را سپری می‌کند، موتور رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری است. این سرمایه‌گذاری، داخلی یا خارجی است. سرمایه‌گذاری‌های داخلی را به‌طور عمده بودجه دولت تشکیل می‌دهد که این بودجه هم به‌طور کامل حاصل درآمد‌های ارزی است. در زمان‌هایی که صادرات نفت ایران بالا بوده، میزان سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی نیز بالا بوده و این موضوع به رشد اقتصادی نیز کمک کرده است. اما میزان سرمایه‌گذاری خارجی در چند سال اخیر چشمگیر نبوده است؛ بنابراین رشد اقتصادی عمدتاً تابع سرمایه‌گذاری دولت بوده و سرمایه‌گذاری دولت هم بسته به اندازه درآمدهای نفتی، افزایش یا کاهش یافته است. محمدباقر قالیباف همچنین در بخش‌هایی

بررسی روابط تجاری میان کشورهای ایران و آمریکا

محمدمهدی مزروعی

تحلیلگر مسائل اقتصادی

ایران و آمریکا براساس آمار رسمی اعلام‌شده از سوی دفتر آمار آمریکا و همچنین به مقایسه این آمار با زمان مشابه سال گذشته می‌پردازیم. دفتر آمار ایالات متحده آمریکا در جدیدترین گزارش منتشرشده خود بر رشد مبادلات تجاری فی‌مابین کشورهای ایران و آمریکا در چهارماه نخست سال جاری میلادی به عدد ۳۰۰۶ میلیون دلار تأکید داشته و عنوان کرده که این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۲۲ درصد رشد را تجربه کرده است.

در ماه‌های ژانویه تا آوریل سال ۲۰۲۳ میلادی عددی بالغ بر ۱۷۰۸ میلیون دلار کالا بین این دو کشور مبادله شده است.

براساس گزارش‌های منتشرشده از سوی دفتر آمار آمریکا در چهارماه نخست سال ۲۰۲۴ ارزش صادرات کشور آمریکا به ایران رشد ۵۱درصدی را تجربه کرده است و به رقم ۲۶۰۵ میلیون دلار رسیده که در چهارماه نخست سال ۲۰۲۳ بالغ بر ۱۷۰۵ میلیون دلار کالا از کشور آمریکا به ایران صادر شده است. واردات کشور آمریکا از ایران نیز در چهارماه نخست سال ۲۰۲۴ رشد ۱۳ برابری را پشت سر گذاشته و از ۰۰۳ میلیون دلار در ماه‌های ژانویه تا آوریل سال ۲۰۲۳ به ۴۰۱ میلیون دلار در مدت مشابه امسال رسیده است. باید خاطر‌نشان کرد که میزان تجارت فی‌مابین کشورهای ایران و آمریکا در مقایسه با کل مبادلات تجاری با کشورهای جهان رقم درخورتوجهی را در بر نمی‌گیرد. ایران در بین مقاصد صادراتی کشور آمریکا در دوماهه سال ۲۰۲۴ رتبه ۱۴۸ و در بین منابع تأمین کالاهای وارداتی این کشور رتبه ۱۵۵ را به خود اختصاص داده است. در پایان باید خاطر‌نشان کرد که راه برپون‌رفت از تنگناهای اقتصادی گسترده‌کردن سبب معیشت خانوارهای ایرانی در این برهه زمانی سخت، گسترش مبادلات تجاری با ابرقدرت‌های اقتصادی جهان است و امید است که رئیس‌جمهور آینده کشور این روش را سرلوحه مسائل اقتصادی خود قرار دهد.

یادداشت

سیستان، گرفتار چالش آب شرب

فرشیدعابدی

عملکرد دولت دوازدهم در حوزه دیپلماسی آب به‌ویژه در برابر رویکردهای هیدروپلیتیکی افغانستان در دوره جمهوریت و آب‌گیری بند کمال‌خان در اواخر این دولت را بارها مورد نقد قرار داده‌ایم. در هر صورت کمیساران آب ایران در دهه ۹۰ هم‌اکنون به‌عنوان مدیران کل دفتر رودخانه‌های مرزی و طرح‌های کلان وزارت نیرو در حال فعالیت هستند و سدسازی‌های افغانستان همچنان ادامه دارد. بی‌تردید هشدارهای دفتر رودخانه‌های مرزی می‌توانست در موضوع‌گیری دستگاه دیپلماسی در قبال احداث بند کمال‌خان تأثیرگذار باشد. تا زمانی که در موضع سخنگوی وزارت امور خارجه پس از اظهارات رئیس‌جمهور فراری افغانستان اشاره به مغایرت سازه کمال‌خان به ماده پنج معاهده ۱۳۵۱ نشد، بنابراین نشان می‌دهد که دفتر رودخانه‌های مرزی و وزارت نیرو به وظیفه ذاتی خود به‌درستی عمل نکرده‌اند. دولت سیزدهم در حالی روی کار آمد که بند کمال‌خان به بهره‌برداری رسیده بود و زنگ خطر امنیت آبی در منطقه جنوب شرق به صدا درآمده بود. افتتاح طرح موسوم به ۴۶ هزار هکتاری، میزان تبخیر آب و مصارف شرب باعث شد که منابع آبی وضعیت بغرنج پیدا کند. محمد سرگزی، نماینده سیستان، اواخر فروردین سال ۱۴۰۱ اعلام کرد که با انتقال آب چاه‌نیمه چهار به سه و چاه‌نیمه دو به یک حدود ۱۳۰ میلیون مترمکعب آب در چاه‌نیمه سه ذخیره شده که این حجم آب دو سال آینده آب آشامیدنی منطقه سیستان را تأمین می‌کند. او با اشاره به بحران کم‌آبی در سال ۱۳۹۷ منقعه سیستان افزود: در آن سال انتقال آب از تهراب به زاهدان و سیستان مطرح بود، اما با ورود آب به منطقه سیستان این پروژه کنار گذاشته شد. با این تفاسیر دولت سیزدهم اجرای خط لوله طرح انتقال آب از تهراب را حدود یک‌ونیم سال بعد یعنی در بازه زمانی مردادماه سال ۱۴۰۲ آغاز و دو سال برای اجرای طرح یادشده زمان پیش‌بینی کرد. با وجود اینکه برخی مجموعه‌ها اعلام کردند که در بازه زمانی بسیار کوتاه‌تر امکان اجرای این طرح را دارند، اما اگر وزارت نیرو طرح انتقال آب تهراب را با جمع‌آب چاه‌نیمه‌ها یا حتی هم‌زمان با عملیات حفر چاه در تهراب آغاز می‌کرد، با افزایش تعداد پیمانکاران و تسریع در عملیات اجرا، نیاز به اجرای طرح اضطراری تأمین آب سیستان و زاهدان که هیچ‌گاه مورد استفاده قرار نگرفت و صرف چند هزار میلیارد تومان از منابع عمومی کشور نبود. دولت سیزدهم با فرصت‌سوزی و نداشتن استراتژی درست برای مدیریت منابع آب باعث هدررفت چند هزار میلیارد تومان از منابع بیت‌المال شد و هم خسران زیادی به ساکنان روستاهای سیستان وارد کرد. چند هزار میلیارد تومان طرح اضطراری تأمین آب شرب سیستان و زاهدان می‌توانست به طرح انتقال آب از تهراب تزیق شود که هم موجب تسریع اجرای طرح شود و هم قطر خط لوله انتقال آب افزایش یابد. با میزان اعتبار صرف‌شده برای طرح اضطراری تأمین آب سیستان و زاهدان که از سوی سرپرست ریاست‌جمهوری به بهره‌برداری رسید، امکان احداث سازه‌های آبخیزداری در حوضه آبخیز لار زاهدان دور از دسترس نبود تا به‌این‌ترتیب امکان استحصال دوا یا سه برابر میزان سهم آب سیستان ویلوجستان از طرح انتقال آب از دریای عمان در زاهدان در دسترس قرار گیرد. با توجه به وجود ۳۰۰ میلیون مترمکعب آب در چاه‌نیمه (به اندازه حدود چهار سال آب مصرفی زاهدان و سیستان) بهره‌برداری از پروژه اضطراری تأمین آب سیستان و زاهدان در منطقه دشتک از طرف مخیر به جز آسیب‌زدن به سفره آب زیرزمینی و موجه نشان‌دادن نصب دستگاه آب‌شیرین‌کن چه هدفی را دنبال می‌کند؟ تا زمانی‌که آب مورد نیاز در مخازن چاه‌نیمه وجود دارد و وزارت نیرو هیچ طرحی برای کاهش میزان تبخیر ندارد، استحصال آب از منابع آب زیرزمینی دشتک ضرورتی ندارد و متعاقب آن هیچ ضرورتی برای بهره‌برداری از دستگاه آب‌شیرین‌کن (بزرگ‌ترین آب‌شیرین‌کن فراساحلی خاورمیانه) وجود ندارد. هزینه‌های تعمیر و نگهداری، تعویض فیلترها، شبکه برق و… مصداق حیف‌ومیل بیت‌المال است.